بررسی اعجاز معارف قرآن

وبازتاب آن در کلام اندیشمندان

کریمی کرمانی

# چکیده

یکی از وجوه اعجاز قرآن در مورد معارف،تشریع وآنچه مربوط به هدایت انسان می باشد.یعنی قوانین ومعارفی که در قرآن کریم مطرح شده است،خود جنبه اعجاز دارد.وهماورد طلبی قرآن کریم این امور را شامل می شود.محتوای قرآن کریم به گونه ای متقن

ومناسب به شخصیت واقعی انسانها،اعم از زن ومرد تبیین شده است.که فقط میتواند از جانب خداوند متعال بازگو شده باشد.این نوع اعجاز از دیر باز مورد توجه اندیشمندان مسلمان بوده است.ودر دوران معاصر نز به ان توجه ویژه ای شده است.

# کلیدواژه:

قرآن،اعجاز،معارف قرآنی،اعجاز تشریعی،اعجاز محتوایی

# مقدمه

إِنّٰا نَحْنُ نَزَّلْنَا اَلذِّكْرَ وَ إِنّٰا لَهُ لَحٰافِظُونَ ﴿الحجر، 9﴾

ما قرآن را نازل کردیم؛ و ما بطور قطع نگهدار آنیم!

بی شک محافظ قرآن کریم خداوند متعال می باشد.آنچنان قرآن کریم از گزندها وآسیب های معاندین این کتاب مقدس محفوظ مانده است.که خود بزرگترین نشانه بر اعجاز قرآن کریم وفرا بشری وفرا طبیعی بودن آن است.

وجوه مختلف اعجاز قرآن کریم هماره این کتاب را در صدر کتب عالم هستی قرار داده است.همه ابعاد اعجاز در طول تاریخ مورد تحدی وهماورد طلبی خداوند متعال در مورد این کتاب مقدس است.در عصر نزول بیشترین موردتحدی همان بعد ادبی قرآن کریم بوده است که مردم آن عصر را تحت تاثیر خود قرار داده بود.

یکی از وجوه مهم اعجاز قرآ کریم اعجاز این کتاب در مورد محتوا ومعارفی است که در این کتاب مقدس ذکر شده است.یعنی مجموعه مطالب وقوانین این کتاب مقدس نیز از محدوده فهم بشر بیرون است که بتواند اینگونه محتوای غنی وانسان ساز در مسیر هدایت را جمع آوری کند.

قرآن کریم در این زمینه نیز هماورد می طلبد.پس این بعد از اعجاز نیز باید مورد توجه باشد.چرا که بهترین کتاب برای عرضه در مقابل نظام های معرفتی شرق وغرب مکتب غنی قرآن کریم می باشد.نظام معرفتی قران کریم از آنچنان غنی وعظمتی برخوردار است که همه این مکاتب را به مبارزه میطلبد تا به حقانیت قرآن معترف سازد.خود ان مطالب ضرورت این تحقق را مبرهن می سازد.

این گونه بحث از اعجاز از دیر باز مورد توجه قرآن پژوهان بوده است ودر دوران معاصر نیز پژوهش های مناسبی در این مورد انجام شده است.که تحقیق حاضر در ادامه وبرگرفته از همین تحقیقات میباشد. در این مقاله با تعریف وتببین اعجاز در مرحله اول وسپس بازگویی اعجاز معارفی وهدایتی قرآن کریم در نهایت به بازتاب آن در کلام اندیشمندان پرداخته ایم.

# چیستی اعجاز بیانی

برای شناخت اعجاز بیانی ابتدا باید تعریفی از اعجاز داشته باشیم.وبا شناخت از اعجاز معارف قرآنی را در ظرف اعجاز بسنجیم تا بتوان معجزه بودن معارف قرآنی به اثبات برسد.هرچند به بیان های مختلف تعاریف زیادی از معجزه شده است.اما تعریف معجزه وویژگیهای آن را از دیدگاه حضرت آیت الله جوادی آملی مورد بررسی قرار می دهیم.

حضرت آیت الله جوادی آملی در کتاب قرآن در قرآن معجزه را اینگونه تعریف میکند**: «اعجاز» به كار ويژه و خارق العاده‏اي گفته مي‏شود كه تنها فرستادگان الهي توان انجام آن را دارند و بشر عادي حتّي اگر تمام قواي خود را بكار گيرد، از آوردن مثل آن عاجز و ناتوان است.[[1]](#footnote-2)**

حضرت استاد جوادی آملی با توجه به تعریفی که برای اعجاز دارند به ویژگیهایی به اعجاز می پردازند که در اینجا به آنها اشاره میکنیم.

**ويژگيهاي اعجاز**

براي روشن شدن حدّ و مرز دقيق و تفصيلي اعجاز، به بيان ويژگيهاي آن و نيز، تفاوتهايي كه با علوم غريبه بشري مانند «سحر» دارد، مي‏پردازيم.

1 ـ وقوع اعجاز در امور ممكن الوجود

2 ـ اعجاز، خارق‏العاده است

3 ـ جريان اعجاز در همه ممكنات

نكته ديگر آن است كه اعجاز مي‏تواند در هر امر ممكني جاري گردد و نبايد تصوّر شود كه معجزات انبيا و اولياي الهي تنها اختصاص به برخي از امور دارند.

4 ـ هماهنگي اعجاز با قانون «علّت و معلول»

5 ـ اعجاز، «طَفْره» پذير نيست،چه در افعال خاص خداوند، و چه در اعجاز رسولان الهي طفره‏اي رخ نمي‏دهد و همه چيز بر اساس علّت و اسباب خود صورت مي‏گيرند اگرچه مردم عادي علل و اسباب امور اعجازي را نمي‏بينند و ممكن است خيال كنند كه علل واسبابي در كار نيست؛ البته علم عادي به آن دسترسي ندارد تا روزي در اثر رشد علمي جامعه، افراد عادي هم بتوانند كار پيامبرانِ پيشين را بر اساس اسلوب‏هاي علمي انجام دهند، در آينده به اين نكته اشاره خواهد شد.

6 ـ يكي بودن حقيقت اعجاز و كرامت،معجزه و كرامت تفاوت جوهري با يكديگر ندارند بلكه هر دو جزء شئون «ولايت» هستند.

7 ـ اعجاز، در انحصار پيامبران است

8 ـ اعجاز، شكست‏ناپذير است

9 ـ اعجاز پيامبران، به اذن خداست

10 ـ اعجاز، دليل بر نبوّت است

11 ـ اعجاز، بر برهان استوار است

12 ـ دو تفاوت جوهري معجزه با سحر، تصرّف در قوّه‏خيال مي‏كند و اثرش، خيالي و تخيّلي است. يعني گرچه سحر اثر واقعي بر انسانها مي‏گذارد ولي اين اثر واقعي به صورت مستقيم نيست و دليلي بر وقوع آن نداريم بلكه كانال اين اثر، قوه تخيل انسانهاست؛ در حالي كه معجزه به طور مستقيم در عالم واقع و در انسان و غيرانسان اثر واقعي مي‏گذارد بدون آنكه نيازي به تأثير در قوه خيال داشته باشد.

ب. شهودي‏بودن معجزه، حصولي‏بودن سِحر[[2]](#footnote-3)

پس از روشن شدن تعریف معجزه وبیان ویژگیهای مهم آن باید این نکته را تاکید کنیم،که يكى از ابعاد اعجاز قرآن، اعجاز در معارف و علوم است كه از مباحث مهم و برجسته اعجاز قرآن به شمار مى‌آيد. البته اين بُعد از اعجاز قرآن، برخى ديگر از وجوه اعجاز را كه ناظر به ابعاد معرفتى قرآن است; مانند اعجاز تشريعى، اخبار به امور غيبى، اعجاز در عدم تناقض و اختلاف، در برمى‌گيرد و نسبت به آنها عام است.

معجزه در همه ابعاد باید دارای اعجاز باشد وهیچ کس توان مقابله با آن رانداشته باشد.قرآن که کتاب هدایت میباشد.ودر واقع قرآن به گونه ای است که همیشگی وهمگانی است.پس معارف قرآن دارای اعجاز می باشد،یعنی شریعتی که قرآن بیان میکند،مسائل حقوقی واخلاقی و...که در قرآن عرضه شده است،هیچ کس توان مقابله با آن را ندارد. وهمه آنها جنیه اعجاز دارند.چه کسی می تواند معارف قرآن را ولو اینکه خالی از فصاحت وبلاغت باشد بیاورد.پس این هم از توان بشر خارج می باشد.

اعجاز معارفی قران را یک مفهوم عام میتوان در نظر گرفت که شامل موارد ذیل می شود، [اعجاز اخلاقی قرآن](http://wiki.islamicdoc.org/wiki/index.php/%D8%A7%D8%B9%D8%AC%D8%A7%D8%B2_%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82%DB%8C_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86)، [اعجاز استدلالی قرآن](http://wiki.islamicdoc.org/wiki/index.php/%D8%A7%D8%B9%D8%AC%D8%A7%D8%B2_%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%AF%D9%84%D8%A7%D9%84%DB%8C_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86)، [اعجاز تشریعی قرآن](http://wiki.islamicdoc.org/wiki/index.php/%D8%A7%D8%B9%D8%AC%D8%A7%D8%B2_%D8%AA%D8%B4%D8%B1%DB%8C%D8%B9%DB%8C_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86)، [اعجاز جدلی قرآن](http://wiki.islamicdoc.org/wiki/index.php/%D8%A7%D8%B9%D8%AC%D8%A7%D8%B2_%D8%AC%D8%AF%D9%84%DB%8C_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86)، [اعجاز عددی قرآن](http://wiki.islamicdoc.org/wiki/index.php/%D8%A7%D8%B9%D8%AC%D8%A7%D8%B2_%D8%B9%D8%AF%D8%AF%DB%8C_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86)، [اعجاز علمی قرآن ( علوم قرآنی )](http://wiki.islamicdoc.org/wiki/index.php/%D8%A7%D8%B9%D8%AC%D8%A7%D8%B2_%D8%B9%D9%84%D9%85%DB%8C_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86_%28_%D8%B9%D9%84%D9%88%D9%85_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86%DB%8C_%29)، [اعجاز غیبی قرآن](http://wiki.islamicdoc.org/wiki/index.php/%D8%A7%D8%B9%D8%AC%D8%A7%D8%B2_%D8%BA%DB%8C%D8%A8%DB%8C_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86)، [اعجاز وعده‌های قرآن](http://wiki.islamicdoc.org/wiki/index.php/%D8%A7%D8%B9%D8%AC%D8%A7%D8%B2_%D9%88%D8%B9%D8%AF%D9%87%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86) .

مثلا از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های قوانین قرآن می توان از امور زیر نام برد:

1)نبود تناقض میان قوانین قرآن؛

2)سازگاری قوانین‌ قـرآن‌ با عقل؛

3)سازگاری قوانین آن با فطرت؛

4)توافق قوانین قرآن با عـلم؛

5)جـامعیت قـوانین قرآن به گونه‌ای که همه ابعاد زندگی انسان را در بر گرفته‌ و در هرزمان و مکانی‌ پاسخ‌گوی‌ نیازهای بشر هست؛

6)عـرضه ‌ ‌و نـهادینه شدن قوانین آن در مدت بسیار کوتاه،یعنی بیست و سه سال؛

7)عرضه آن از زبان شخصی درسـ‌ناخوانده؛

8)عـرضه آن در فـضایی که زمینه و شرایط‌ لازم‌ برای‌ تدوین چنین قوانینی‌ فراهم نبود‌.[[3]](#footnote-4)

# بازتاب اینگونه اعجاز

شیخ مجتبی قزوینی از اندیشمندان معاصر که درباب اعجاز قران تحقیقات فراوانی انجام داده است در این زمینه میگوید :

از نـظر شیخ مجتبی قزوینی، علوم و معارف قرآن دارای ویژگی‌ها یا جهات کمالی ده‌گانه‌ی زیر است که آوردن‌ مثل‌ آن‌ با ویژگی‌های یاد شده در توان هیچ‌کس نیست. این اوصاف‌ و ویژگی‌ها عبارتند از: 1. اُمّی بودن پیـامبر اکـرم(ص). 2. جامعیت علوم قرآن که از نظر تنزیل، نسخه‌ی جمعی و اجمالی عوالم‌ تکوین‌، و از‌ جنبه‌ی تأویل و تفسیر، نسخه‌ی مبسوط و تفصیلی عوالم تکوین از ازل تا‌ ابد‌ است. 3. دارا‌بودن علم و قوانین تشریع. 4. همه‌گونه خواننده‌ی قرآن اعـم از مـؤمن یا کافر، غنی یا فقیر‌، متکبر‌ یا‌ متواضع در خواندن قرآن متوجه می‌شود که مشمول بخشی از خطاب‌های الهی‌ مانند‌ سرزنش‌ یا نوازش، دلداری یا هشدار، مهر یا قهر و بشارت یا انـذار اسـت. 5. اشتمال قرآن‌ بر‌ علم‌ غیب در اخبار به امور تکوینی و تشریعی عالم و افعال و حالات بشر گذشته و آینده. 6.‌به‌ حکم‌ له دعوة الحق (رعد/14)، تمام مقصد و مقصود دعوت قرآن به سوی حـق‌ مـتعال‌ اسـت‌. 7. جامعیت بیانی آیات، که یـک آیـه در عـین این‌که مثلاً در مقام بیان حال‌ پیامبران‌ و چگونگی دعوت آن‌ها است، در عین حال اندرز و هشدار بوده و بیانگر خصوصیات اخلاقی‌ و رفتاری‌ انسان‌ و در هـمین حـال کـه مشتمل بر بیان عالم تکوین است، مشتمل بـر بـیان عالم تشریع‌ بوده‌ و در همان حال شامل پاره‌ای از اخبار غیب است. و آن‌سان که گویای‌ حال‌ خواننده‌ و گوینده است، همان‌سان مـایه‌ی تـربیت و هـدایت انسان است. 8. ویژگی هشتم آن‌که برخی از سور و آیات‌، اجمال‌ یـا‌ تفصیل و شرح آیات وسور دیگر با اختلاف تعبیر است، مثلاً آن‌چه در‌ قرآن‌ است در سوره یس آمده است. 9. عـلوم و مـعارف گـوناگون قرآن به زبان عربی آشکار و با فصاحت‌ (روشنی‌) و بلاغت نازل شـده اسـت. 10. علوم و معارف قرآن بدور از اختلاف و تناقض‌ است‌.[[4]](#footnote-5)

حضرت آیت الله میرزا مهدی اصفهانی از جمله کسانی است که بر بعد اعجاز معارفی قران تاکید دارد.ایشان موارد زیر را بـه عـنوان وجـه اعجاز قرآن‌ بر‌ می‌شمارد‌ و به تبیین آنها مـی‌پردازد:

1.مـعارف عقلی قرآن.2.اعجاز در هماهنگی قرآن.3.اعجاز قرآن از نظر‌ تشریع‌‌ و قانون‌گذاری‌.4.حقایق خلل‌ناپذیر در قرآن.5.اخبار غیبی قرآن.6.اسرار آفرینش در قـرآن

## [بازتاب اعجاز معارفى در كلام انديشمندان نقل از دایره المعارف تشیع ذیل کلمه اعجاز](http://www.maarefquran.com/maarefLibrary/templates/farsi/dmaarefbooks/Books/3/66.htm%22%20%5Cl%20%22f1)

به نظر مى‌رسد اعجاز معارفى آن‌گونه كه شايسته است و در قرآن و سنت بر آن تأكيد شده، در آرا و سخنان دانشمندان اسلامى منعكس نشده است; پندارى جنبه‌هاى زبانى زيبا و شگفت قرآن، عالمان و نويسندگان را چندان شيفته خود ساخته است كه از پرداختن به جنبه‌هاى اعجاز محتوايى قرآن غفلت كرده و مقولاتى مانند فصاحت و بلاغت را وجه اعجاز آن دانسته‌اند.[[20]](http://www.maarefquran.com/maarefLibrary/templates/farsi/dmaarefbooks/Books/3/66.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn20)
در عين حال با جستوجو در سخنان دانشمندان مسلمان، اشاره‌ها و گاه مباحثى سودمند در باب اعجاز هدايتى قرآن يافت مى‌شود. گفتنى است كه بسيارى از عالمان شيعه و اهل‌سنت بر علوم ومعارف قرآن به عنوان يكى از وجوه تحدّى و اعجاز، در كنار ساير وجوه، تأكيد‌كرده‌اند و برخى به تحدّى قرآن از حيث علوم و معارف بسنده كرده و به جنبه‌هاى ادبى و زبانى اعجاز آن نپرداخته‌اند. از سوى ديگر بايد توجه‌داشت كه برداشت همه مدافعان اعجاز معارفى از اعجاز و چيستى علوم معجزه‌گر قرآن يكسان نيست.
ماوردى (م.‌450ق.) و سيوطى (م.‌911‌ق.) يكى از وجوه اعجاز قرآن را جامعيت علمى آن دانسته‌اند كه هيچ يك از دانشمندان امتها به علوم‌آن احاطه ندارند و هيچ كتابى آنها را در‌بر‌نمى‌گيرد.[[21]](http://www.maarefquran.com/maarefLibrary/templates/farsi/dmaarefbooks/Books/3/66.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn21)
ابوحامد غزالى (م.‌505‌ق.) با استناد به سخنى از امير مؤمنان(عليه السلام)، قرآن را اشاره‌كننده به كليات همه دانشها (مجامع العلوم) دانسته است.[[22]](http://www.maarefquran.com/maarefLibrary/templates/farsi/dmaarefbooks/Books/3/66.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn22)
راوندى (م.‌573‌ق.) وجه سوم اعجاز قرآن را درستى معانى و هماهنگى آنها با نظر و استدلال و سازگار بودن با عقل مى‌داند.[[23]](http://www.maarefquran.com/maarefLibrary/templates/farsi/dmaarefbooks/Books/3/66.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn23)
ابن‌ميثم بحرانى (م.‌679‌ق.) مجموع فصاحت بالا، اسلوب و اشتمال بر علوم شريفه را وجه اعجاز قرآن دانسته و علوم قرآن را شامل علم توحيد، اخلاق، سياسات، چگونگى سلوك الى الله و احوال امتهاى گذشته دانسته است. ابن‌ميثم تأكيد مى‌كند كه دانشها و مقاصد قرآن بسى بيشتر از فصاحت و اسلوب آن، از دسترس توانايى انسانها به دور است.[[24]](http://www.maarefquran.com/maarefLibrary/templates/farsi/dmaarefbooks/Books/3/66.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn24)
قرطبى (م.‌671‌ق.) در ضمن 10 وجهى كه براى اعجاز قرآن آورده، به دو وجه زير نيز تصريح‌دارد: نخست، اشتمال آن بر دانشى كه مايه‌قوام تمامى انسانها در مسائل احكام و حلال و حرام است. دوم، دارابودن حكمتهاى بالغه كه عادتاً با اين كثرت و شرافت از هيچ بشرى صادر‌نمى‌شود.[[25]](http://www.maarefquran.com/maarefLibrary/templates/farsi/dmaarefbooks/Books/3/66.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn25)
ابن‌جزى (م.‌741‌ق.) بر آن است كه آنچه در قرآن درباره شناخت بارى تعالى و يادكرد اسما و صفات جلال و جمال او آمده، نيز فراخواندن انسانها به عبادت و توحيد خدا و اقامه برهانهاى قاطع و دلايل آشكار در اين باره، تشريع و تبيين احكام حلال و حرام، راهنمايى انسانها به مصالح‌دنيا و آخرت و مكارم اخلاق كه غايت حكمت و ثمره علوم است، همه در وجه اعجاز قرآن به‌شمار است.[[26]](http://www.maarefquran.com/maarefLibrary/templates/farsi/dmaarefbooks/Books/3/66.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn26)
صدرالمتألهين شيرازى(م.‌1050‌ق.) در كنار فصاحت و بلاغت، اشتمال قرآن بر علوم الهى و معارف ربانى و احوال مبدأ ومعاد و ارشاد به مكارم‌اخلاق و فنون حكمت عملى و مصالح دينى و دنيوى را به عنوان وجه اعجاز قرآن ياد كرده‌است.[[27]](http://www.maarefquran.com/maarefLibrary/templates/farsi/dmaarefbooks/Books/3/66.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn27)
فيض كاشانى (م.‌1091‌ق.) شريف‌ترين و قوى‌ترين وجه اعجاز قرآن نزد خردمندان را اشتمال آن بر علوم و اسرار و معارف و انوار و دارا بودن جوامع كلم و انوار حكمتى آن دانسته كه خردها از ادراك آنها ناتوان است.[[28]](http://www.maarefquran.com/maarefLibrary/templates/farsi/dmaarefbooks/Books/3/66.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn28)
علامه مجلسى (م.‌1111‌ق.) اشتمال قرآن بر معارف ربانى ـ‌به رغم امّى بودن پيامبر‌ـ و عارى‌بودن آن از هر امرى كه مخالف عقول سليم و افهام مستقيم باشد، نيز اشتمال آن بر آداب كريمه و شرايع و قوانين درست و استوار را كه موجب صلاح انسانها و مايه رفع هرگونه نزاع و فساد در جامعه انسانى است، بزرگ‌ترين وجه اعجاز قرآن‌مى‌داند.[[29]](http://www.maarefquran.com/maarefLibrary/templates/farsi/dmaarefbooks/Books/3/66.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn29)
بلاغى (م.‌1352‌ق.) از شيوه‌هاى استدلال قرآن در مباحث گوناگون الهيات، قانونگذارى عادلانه، ساماندهى نظام مدنيت و عرضه آموزهاى اخلاق والا در حوزه ارزشها و ضد ارزشها به عنوان سه وجه اعجاز قرآن ياد كرده است.[[30]](http://www.maarefquran.com/maarefLibrary/templates/farsi/dmaarefbooks/Books/3/66.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn30) سيد‌ابوالقاسم خويى نيز بر همين سه وجه با تفصيل بيشتر به عنوان سه وجه از وجوه اعجاز قرآن كريم تأكيد كرده است.[[31]](http://www.maarefquran.com/maarefLibrary/templates/farsi/dmaarefbooks/Books/3/66.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn31)
ميرزا مهدى اصفهانى (م.‌1365‌ق.) كه قائل به جدايى راه و روش معرفتى قرآن از راه و روش فلسفه و عرفان است، طرفدار جدى اعجاز هدايتى و معارفى است. او مهم‌ترين وجه اعجاز قرآن را علوم و حكمتهاى نو آن در برابر فلسفه و عرفان قديم بشرى دانسته است.[[32]](http://www.maarefquran.com/maarefLibrary/templates/farsi/dmaarefbooks/Books/3/66.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn32) ايشان با استناد به آيات فراوان، حقيقت قرآن را علم، هدايت، حكمت، بصائر، بيّنه، نور و شفا دانسته و همين اوصاف قرآن را موضوع تحدّى برشمرده است. از نظر وى فصاحت و بلاغت اعلاى قرآن، بالاترين لباس زيبايى است كه بر قامت علوم و معارف الهى پوشيده شده; امّا تحدّى به علوم و معارف است; نه‌فصاحت و بلاغت.[[33]](http://www.maarefquran.com/maarefLibrary/templates/farsi/dmaarefbooks/Books/3/66.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn33) ايشان بر آن است كه حديث‌بودن قرآن كه در آيات متعدد مطرح شده و در آيه«فَليَأتوا بِحَديث مِثلِهِ اِن كانوا صـدِقين» (طور/52،34) موضوع تحدّى قرار گرفته، تأكيد بر اين نكته است كه تحدّى به علوم و معارف جديد و غير معهود است كه با دانشهاى بشرى تفاوت بنيادى دارد.[[34]](http://www.maarefquran.com/maarefLibrary/templates/farsi/dmaarefbooks/Books/3/66.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn34)
مجتبى قزوينى (م.‌1386‌ق.) شاگرد و همفكر ميرزاى اصفهانى كه به شكل گسترده درباره اعجاز معارفى قرآن سخن گفته، بر آن است كه وجه تحدّى و اعجاز قرآن، علوم و معارف آن است.[[35]](http://www.maarefquran.com/maarefLibrary/templates/farsi/dmaarefbooks/Books/3/66.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn35) از نظر وى علوم و معارف قرآن داراى ويژگيها يا جهات كمالى ده‌گانه زير است كه آوردن مثل آن با‌ويژگيهاى ياد شده، در توان هيچ كس نيست. اين اوصاف و ويژگيها عبارت است از: 1.‌امّى‌بودن پيامبر‌اكرم(صلى الله عليه وآله وسلم). 2. جامعيت علوم قرآن. 3.‌دارابودن علم و قوانين تشريع. 4.‌همه‌گونه خواننده قرآن، اعم از مؤمن يا كافر، غنى يا فقير، متكبر يا متواضع در قرائت قرآن، خود را مشمول بخشى از خطابهاى آن مى‌بينند. 5. اشتمال قرآن بر علم غيب در گزارش از امور تكوينى و تشريعى جهان، و كارها و حالات بشر گذشته و آينده. 6.‌به‌حكم «لَه دَعوَةُ الحَقّ» (رعد/13، 14) تمام مقصد و مقصود قرآن دعوت به سوى خداست. 7.‌جامعيت بيانى آيات، كه يك آيه در عين اينكه مثلا در مقام بيان حال پيامبران و چگونگى دعوت آنهاست، اندرز و هشدار بوده و بيان كننده ويژگيهاى اخلاقى و رفتارى انسان است و با اينكه مشتمل بر بيان عالم تكوين است، مشتمل بر بيان عالم تشريع بوده و در همان حال شامل پاره‌اى از اخبار غيب نيز هست. 8.‌برخى از سور و آيات، قبض يا بسط، اجمال يا تفصيل آيات و سور ديگر، بااختلاف تعبير است; مثلا گفته‌اند: مجموعه آنچه در قرآن آمده در سوره يس /36 است. 9. علوم و معارف گوناگون قرآن به زبان عربى روشن و با فصاحت و بلاغت نازل شده است. 10.‌علوم ومعارف قرآن از اختلاف و تناقض مبرّاست.[[36]](http://www.maarefquran.com/maarefLibrary/templates/farsi/dmaarefbooks/Books/3/66.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn36)
ابن‌عاشور (م.‌1393‌ق.) در كنار دو وجه بلاغت والا و اسلوب نظم، دارا بودن معانى حكمى و اشارات به حقايق عقلى و علمى را كه خردهاى بشرى ـ‌نه در عصر نزول قرآن و نه در روزگاران بعدى‌ـ بدان نمى‌رسد، براى همه انسانها در همه زمانها، معجزه شمرده و تأكيد كرده كه عالمان ما مانند ابوبكر باقلانى وقاضى عياض كه در باب اعجاز قرآن سخن گفته‌اند از اين وجه غفلت كرده‌اند.[[37]](http://www.maarefquran.com/maarefLibrary/templates/farsi/dmaarefbooks/Books/3/66.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn37)
علامه طباطبايى (م.‌1402‌ق.) با عام دانستن تحدّى، اعجاز قرآن را از تمامى جهاتى مى‌داند كه در آنها امكان تفاضل هست، براين اساس، قرآن براى انسان بليغ در بلاغت و فصاحتش و براى حكيم در حكمت خود، و براى دانشمند در دانش خود، و براى عالم اجتماعى در مباحث و مسائل اجتماعى خود، و براى قانونگذاران در قانونگذارى خودشان، و براى سياستمداران در سياستشان، و براى حاكمان در حكومتشان، و براى همه جهانيان در آنچه بدان دسترسى ندارند، مانند امور غيبى و اختلاف در حكم و علم و بيان، آيه و معجزه است.[[38]](http://www.maarefquran.com/maarefLibrary/templates/farsi/dmaarefbooks/Books/3/66.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn38)نيز وى درباره اعجاز علمى قرآن تأكيد مى‌كند كه قرآن در پاره‌اى از آيات، به علم و معرفت تحدّى كرده است. از نظر ايشان تعاليم اسلام ـ‌كه كليات آن در قرآن كريم و جزئيات آن در سنّت آمده‌ـ به مباحث و مسائل خرد و كلان معارف الهى (فلسفى) و اخلاق فاضله و قوانين دينى فرعى در زمينه‌هاى عبادات، معاملات، سياسات و اجتماعيات و همه حوزه‌هاى مورد نياز‌انسان، براساس فطرت و اصل توحيد پرداخته‌است، به‌گونه‌اى كه تفاصيل آن با تحليل، به اصل توحيد و اين اصل، با تركيب به تفاصيل باز‌مى‌گردد.[[39]](http://www.maarefquran.com/maarefLibrary/templates/farsi/dmaarefbooks/Books/3/66.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn39)
ملكى ميانجى با عام دانستن تحدّى قرآن نسبت به همه مكلفان، اعم از عرب و عجم در همه زمانها، تأكيد مى‌كند كه اعجاز، زمانى تمام مى‌گردد كه همه افراد بشر در تمامى جنبه‌ها از آوردن نظيرى براى قرآن ناتوان باشند، ازاين‌رو براى شناخت اعجاز قرآن نمى‌توان به عجز ملت‌عرب بسنده كرده و ناتوانى آنها از آوردن مثل قرآن را دليل بر اعجاز آن دانست.[[40]](http://www.maarefquran.com/maarefLibrary/templates/farsi/dmaarefbooks/Books/3/66.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn40) ايشان با تكيه بر اين مقدمات و با استناد به ادله عقلى و نقلى و گزارشهاى تاريخى درباره تأثير معنوى قرآن بر دلهاى مخالفان، به تبيين و دفاع از انديشه اعجاز‌هدايتى و معارفى قرآن پرداخته و ديدگاه قائل به اعجاز قرآن از جنبه فصاحت و بلاغت را نقد كرده است.
گزارش اجمالى يادشده آشكارا بيان كننده اين نكته است كه انديشه اعجاز معارفى برخلاف سده‌هاى نخستين هجرى، در سده‌هاى اخير، به ويژه در دوران معاصر به‌طور جدى طرح وبررسى شده است. به نظر مى‌رسد كه تحولات عمومى جهان اسلام، به ويژه نهضت بازگشت به قرآن در اين چرخش ديدگاه، بى‌تأثير نبوده است

[18]. الكافى، ج‌2، ص‌599; بحارالانوار، ج‌89، ص‌78 به بعد; كنزالعمال، ج‌1، ص‌550.

[19]. نهج البلاغه، خطبه 18; مسند احمد، ج‌1، ص‌291; المصنف، ج‌3، 376; كنز العمال، ج‌1، ص526.

[20]. كشف المراد، ص‌484‌ـ‌485; شرح المقاصد، ج‌5، ص‌25; التفسير الكبير، ج‌2، ص‌115.

[21]. تفسير ماوردى، ج‌1، ص‌32; معترك الاقران، ج‌1، ص‌12.

[22]. احياء علوم الدين، ج‌3، ص‌135.

[23]. الخرائج و الجرائح، ج‌3، ص‌981.

[24]. قواعد المرام، ص‌132‌ـ‌133.

[25]. تفسير قرطبى، ج‌1، ص‌54.

[26]. التسهيل، ج‌1، ص‌23‌ـ‌24.

[27]. تفسير صدر المتالهين، ج‌2، ص‌127.

[28]. علم‌اليقين، ج‌1، ص‌486.

[29]. حياة القلوب، ج‌3، ص‌413.

[30]. تفسير ماوردى، ج‌1، ص‌32; قواعد‌المرام، ص‌132‌ـ‌133; التسهيل، ص‌881; آلاءالرحمن، ج‌1، ص‌41‌-‌46.

[31]. البيان، ص‌45‌ـ‌46، 48، 60، 62، 67.

[32]. ابواب الهدى، ص‌3.

[33]. بيان الفرقان، ج‌2، ص‌196‌ـ 197.

[34]. ر.ك: همان، ص‌199‌ـ‌200.

[35]. بيان‌الفرقان، ج‌2، ص‌208.

[36]. بيان‌الفرقان، ج‌2، ص‌206‌ـ‌216.

[37]. التحرير والتنوير، ج‌1، ص‌104.

[38]. الميزان، ج‌1، ص‌59‌ـ‌60.

[39]. الميزان، ج‌1، ص‌62.

[40]. مناهج البيان، ج‌1، ص‌58.

.

1. قرآن در قرآن - صفحه 89 [↑](#footnote-ref-2)
2. قرآن در قرآن - صفحه 89-114 [↑](#footnote-ref-3)
3. مقاله اعجاز تشریعی قرآن،عبد الکریم بهجت پور [↑](#footnote-ref-4)
4. 208-216 نگاهی به علوم قرآنی [↑](#footnote-ref-5)